

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۱/۹

تاریخ تصویب مقاله: ۹۳/۱۲/۱۵

## پیش‌بینی ابعاد بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس

مرتضی مرادی\*، دکتر مسعود حسین‌چاری\*\*، عباسعلی سلیمانی خشاب\*\*\* و  
محمدحسین دهقانی‌زاده\*\*\*\*

### چکیده

در پژوهش حاضر هدف آن بود که بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس دانشجویان، بهزیستی روان‌شناختی آنان پیش‌بینی شود. طرح پژوهش از نوع همبستگی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها متشکل از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل میانگین، انحراف معیار، تحلیل رگرسیون، آزمون مقایسه‌ی گروه‌های مستقل (t) و آزمون معناداری تفاوت بین دو ضریب همبستگی برای نمونه‌های مستقل ( $Z_r$ ) فیشر) است. جامعه‌ی آماری پژوهش متشکل از دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه شیراز بود که بر اساس جدول پیشنهادی کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۱ دانشجوی (۲۰۰ دختر و ۲۰۱ پسر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و سه پرسشنامه‌ی بهزیستی روان-

---

\* دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد دانشگاه شیراز و دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

m65\_m80@yahoo.com

\*\* دانشیار روان‌شناسی تربیتی و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

\*\*\* دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد دانشگاه شیراز

\*\*\*\* دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد دانشگاه شیراز

شناختی (ریف، ۱۹۸۹)، سبک‌های دلبستگی بزرگسال (هازن و شاور، ۱۹۸۷) و عزت‌نفس (روزنبرگ، ۱۹۶۵) را تکمیل کردند. به طور کلی نتایج حاصل از تحلیل همبستگی حاکی از آن بود که ابعاد سبک دلبستگی (دلبستگی ایمن و دلبستگی نایمن اجتنابی) رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با بهزیستی روان‌شناختی دارند. متغیر عزت‌نفس نیز رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با بهزیستی روان‌شناختی نشان داد. همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد که ابعاد سبک دلبستگی (دلبستگی ایمن و دلبستگی نایمن اجتنابی) و عزت‌نفس پیش‌بین مثبت و معنادار بهزیستی روان‌شناختی‌اند. علاوه بر این، از بین مولفه‌های بهزیستی روان‌شناختی پذیرش خود، تسلط بر محیط، روابط مثبت با دیگران و هدفمندی زندگی توسط سبک دلبستگی ایمن، مولفه‌ی روابط مثبت با دیگران بر اساس سبک دلبستگی نایمن اجتنابی، مولفه‌های تسلط بر محیط و خودمختاری بر اساس سبک دلبستگی دوسوگرا و همچنین تسلط بر محیط و رشد شخصی بر اساس عزت‌نفس به صورت مثبت پیش‌بینی شدند. با توجه به یافته‌های بالا، برای مطالعه و ارتقای بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان، بررسی و آگاهی از سبک‌های دلبستگی و سطح عزت‌نفس فرد ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه های کلیدی:** بهزیستی روان‌شناختی، سبک دلبستگی، عزت‌نفس، سلامت.

#### مقدمه

تعلیم و تربیت، بخش چنان معمولی از زندگی روزمره‌ی ما شده که به راحتی نسبت به نقش استثنایی و خارق‌العاده‌ی آن بی‌توجه هستیم. این نهاد ملزم است که از عهده‌ی وظیفه‌ی دشوار غنی‌سازی، باروری و تعلیم و تربیت اذهان گروه‌های انسانی بسیار متفاوت برآید (اتکینسون و هورن‌بی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸). با در نظر گرفتن این وظیفه‌ی خطیر، برای نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای، دو دسته‌ی کلی از پیامدها را می‌توان در نظر گرفت. یک دسته پیامدها را می‌توان با توجه به معیارها و شاخص‌های بیرونی تحت عنوان پیامدهای کمی سازمان داد. کسب افتخارات محلی،

<sup>1</sup>. Atkinson & Hornby

ملّی، جوایز، رتبه‌ها و دریافت گواهی‌های مهارت از این جمله پیامدها هستند. دسته‌ی دیگری از پیامدهای تعلیم و تربیت، مربوط به اوصافی می‌شوند که به راحتی و از جانب همه‌ی اهل فن قابل شمارش و شاخص‌گذاری نیستند. مثلاً جامعه انتظار دارد فرزندانش پس از گذراندن سال‌های عمرشان در مدرسه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی داشته باشند. از این پیامدها می‌توان تحت عنوان کلی پیامدهای کیفی نظام تعلیم و تربیت، سخن به میان آورد. از آنجا که بهزیستی روان‌شناختی<sup>۱</sup> یکی از پیامدهای کیفی نظام تعلیم و تربیت است، تبیین آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بسیاری از پژوهشگران تلاش کرده‌اند بهزیستی روان‌شناختی را مفهومی‌سازی کنند (روتمن و کریستن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). برای مثال ویسینگ و ایدن<sup>۳</sup> یک عامل بهزیستی روان‌شناختی کلی را شناسایی کردند و آن را به صورت ترکیبی از کیفیت‌های ویژه، از قبیل احساس انسجام، رضایت از زندگی، تعادل عاطفه و نگرش کلی نسبت به خوش‌بینی یا جهت‌گیری مثبت نسبت به زندگی توصیف کردند.

در دهه‌ی گذشته ریف و کیز<sup>۴</sup> (۱۹۹۵)، بر اساس بنیان فلسفی فضیلت‌گرایی<sup>۵</sup> ارسطو، الگوی بهزیستی روان‌شناختی با بهداشت روانی مثبت را ارائه کردند. بر اساس الگوی ریف بهزیستی روان‌شناختی از شش عامل تشکیل می‌شود: پذیرش خود<sup>۶</sup>، رابطه‌ی مثبت با دیگران<sup>۷</sup>، استقلال<sup>۸</sup>، زندگی هدفمند<sup>۹</sup>، رشد شخصی<sup>۱۰</sup> و تسلط بر محیط<sup>۱۱</sup>. الگوی مزبور در سراسر جهان

1. Psychological well-being

2. Roothman & Kristen

3. Wissing & Eeden

4. Ryff & Keyes

5. Virtue-Oriented

6. Self – Acceptance

7. Positive Relation With Others

8. Autonomy

9. Purpose In Life

10. Personal growth

11. Environmental Mastwry

به طور گسترده و وسیعی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است (چانگ و چن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). مطالعات جهانی‌یادشده در جنبه‌های مختلف زندگی، به‌خصوص در دوره‌ی جوانی انجام شده که در اکثر موارد، اهمیت بهداشت روانی مبهم نشان داده شده است (بهاری و فرکیش، ۱۳۸۸). با وجود ابهام پژوهشی در این زمینه، چیزی از اهمیت بهداشت روانی در دوره‌ی جوانی کاسته نمی‌شود و پژوهش‌های بیشتر، ضروری به نظر می‌رسد.

از طرفی، افراد جوان در پی ورود جدی به اجتماع و ایجاد روابط و گسترش ارتباطات خویش‌اند. نوع روابط و ارتباطات قشر جوان به عنوان مسئولین آینده‌ی جامعه، تاثیر شگرفی بر توسعه جامعه دارد؛ به طوری که ارتباطات سالم زمینه‌ی پایه‌ریزی یک ساختار منسجم و هماهنگ را برای پیشبرد اهداف جامعه فراهم می‌سازد. چگونگی تعامل و برقراری این ارتباطات متاثر از عوامل گوناگونی از جمله شخصیت فرد و عوامل خانوادگی می‌باشد. از جمله عوامل مهم خانوادگی در برقراری تعامل و ایجاد ارتباط با دیگران سبک دلبستگی<sup>۲</sup> است. پژوهش‌های گوناگون خارجی (موریرا، برنادرز، آنداز، آگوریا، مولیرو و سیلوا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ لاگاردیا، رایان، کوچمن و دسی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲؛ نوم، دکوریکو میوس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲؛ وی، شافر، یونگ و زاکالیک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵؛ گیرال<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸؛ کلر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹؛ هارمز<sup>۹</sup>، ۲۰۱۱) و داخلی (بشارت، ۱۳۷۹؛ امجدی، ۱۳۸۶؛ جهان‌بخش، امیری، مولوی و بهادری، ۱۳۸۹؛ شاکر، ۱۳۹۰؛ نریمانی و طالبی جویباری، ۱۳۹۱؛ محمدعلی‌پور، عباسی و آسایش، ۱۳۹۱) نشان داده‌اند سبک دلبستگی می‌تواند در بهزیستی روان‌شناختی افراد

1. Chang & Chan

2. Attachment Style

3. Moreira, Bernardes, Andez, Aguiara, Moleiro & Silva

4. Lagardya, Ryan, Kvchmn & Deci

5. Noom, Dekovic, Meeus

6. Wei, Shaffer, yong & Zakalik

7. Giral

8. Keller

9. Harms

تأثیرگذار باشد. مثلاً موریرا، برنادرز، آنداز، آگوریا، مولیرو و سیلوا<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) در پژوهشی نشان دادند افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، نمرات بالاتری در شایستگی اجتماعی (روابط مثبت با دیگران) کسب می‌کنند. در پژوهشی دیگر لاگاردیا، رایان، کوچمن و دسی<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) رابطه‌ی مثبت و معناداری بین دلبستگی ایمن و ارضای نیازها با ارتقای بهزیستی فرد نشان دادند. همچنین ریمانی و طالبی جویباری (۱۳۹۱) نشان دادند که دلبستگی ایمن با تنظیم هیجان و مولفه‌های آن رابطه‌ی مثبت و دلبستگی نایمن با تنظیم هیجان رابطه‌ی منفی دارد. هارمز<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در فراتحلیلی و در جمع‌بندی پژوهش‌های مربوط به سبک‌های دلبستگی، گزارش کرده است پژوهش‌های قبلی ارتباط عمیقی را بین سبک‌های دلبستگی با کیفیت روابط بین فردی و بهزیستی روان‌شناختی نشان داده‌اند.

در طول سی سال گذشته نظریه‌ی دلبستگی یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در رشد هیجانی-اجتماعی بوده است (بردی ازونی داوجی<sup>۴</sup>، والی‌زاده، نیکمال، ۲۰۱۰). برخی پژوهشگران، نظریه-ی دلبستگی را رونق مجدد روان‌کاوی و عنصر مهم این مکتب می‌دانند (باعزت، ایزدی فرد و پیوسته گر، ۱۳۸۸). بالبی<sup>۵</sup> تحقیقات وسیعی در زمینه‌ی دلبستگی به انجام رسانده است و دلبستگی را یک رابطه‌ی عاطفی قدرتمند می‌داند که فرد را به یک مراقب مرتبط می‌سازد، به نحوی که تعامل با وی باعث احساس نشاط و شغف شود و وجود او به هنگام تنش، مایه‌ی آرامش باشد (سیگل‌من و رایدِر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). در طول دهه‌ی ۱۹۷۰، مری اینسورث کارهای قبلی بالبی را گسترش داد و با طرح موقعیت ناآشنا<sup>۷</sup> سه نوع دلبستگی ایمن<sup>۱</sup>، دوسوگرا<sup>۲</sup> و اجتنابی<sup>۳</sup> را

<sup>۱</sup>.Moreira, Bernardes, Andez, Aguiara, Moleiro & Silva

<sup>۲</sup>. Lagardya, Ryan, Kvchmn & Deci

<sup>۳</sup>.Harms

<sup>۴</sup>. Berdi ozouni Davaji

<sup>۵</sup>. Bowlby

<sup>۶</sup>. Sigelman & Rider

<sup>۷</sup>. Strange Situation

را مطرح کرد. پس از او هازن و شاور<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) بر اساس نظریه‌ی دلبستگی بالبی، مفهوم دلبستگی بزرگسالی<sup>۵</sup> را رواج دادند. این دو پژوهشگر بر اساس پژوهش‌های انجام شده، در زمینه‌های سبک‌های دلبستگی نوزادی (اینروورث، بلیهار، واترز و وال<sup>۶</sup>، ۱۹۷۸)، سبک‌های دلبستگی بزرگسالی را در سه طبقه سازمان داده‌اند.

افرادی که در برقراری روابط صمیمی، راحت هستند، دارای سبک دلبستگی ایمن هستند. این افراد تمایل دارند برای دریافت حمایت به دیگران وابسته باشند و اطمینان دارند که دیگران آن‌ها را دوست دارند. نمود دلبستگی خود را به عنوان افرادی گرم توصیف می‌کنند، تصویری مثبت از خود دارند و از دیگران توقعات و انتظارات مثبت دارند. برخی افراد، برای برقراری روابط نزدیک تمایل شدیدی دارند، اما در عین حال نگرانی بسیاری از طرد شدن دارند. پذیرش از طرف دیگران را شرط لازم برای داشتن احساس خوب نسبت به خود می‌دانند. این افراد تصویر منفی از خود، ولی نگرش مثبت به خود دارند. سبک دلبستگی این گروه، سبک ناایمن مضطرب- دوسوگرا نامیده شده است.

برای افرادی که سبک ناایمن اجتنابی دارند مسئله‌ی ارزشمند، خوداتکایی است. زمانی که احتمال می‌رود از طرف دیگران طرد شوند با انکار نیاز به دلبستگی، تلاش می‌کنند تصویری مثبت از خود را حفظ کنند. افراد اجتنابی از دیگران انتظارات و نگرش منفی دارند.

تصویر مثبت افراد دارای سبک دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی از خود، بیانگر عزت نفس بالای این افراد و تصویر منفی افراد دارای سبک ناایمن دوسوگرا، یادآور عزت نفس پایین این دسته از افراد است (احدی، ۱۳۸۸). مطالعات تجربی نشانگر این نکته است که عزت نفس یک

1. Secure Attachment

2. Ambivalent Attachment

3. Avoidant Attachment

4. Hazan & Shaver

5. Adult Attachment

6. Ainsworth, Blehar, Waters, Wall

عامل روان‌شناختی مهم و اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی به شمار می‌رود. با افزایش عزت-نفس، احساس توانمندی و ارزشمندی در فرد به وجود می‌آید و تغییرات مثبتی همچون پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش برای کسب موفقیت، داشتن اعتماد به نفس بالا، بلند همت بودن، تمایل به داشتن سلامت بهتر و بهزیستی روان‌شناختی در فرد پدیدار می‌شود (شانگ‌کوان یی، یو و لی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲). دینر و دینر<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) و چن و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۶) بین عزت‌نفس با رضایت از زندگی و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی قوی و معناداری نشان دادند. کوپر اسمیت<sup>۴</sup> (۱۹۶۷) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که عزت‌نفس بالا، فرد را در مقابل انواع مشکلات و مسائل فشارزای روانی و جز آن مقاوم خواهد کرد. جوکار، ذاکری و عمرانیان (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی نشان دادند که عزت‌نفس با خودناتوان‌سازی رابطه‌ی منفی دارد. دینر و روزنبرگ (۲۰۰۲) نیز بین عزت‌نفس و رضایتمندی از زندگی رابطه‌ی قوی و معناداری نشان دادند. لوسیک<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) نیز در بررسی عزت‌نفس، اضطراب و تحمل در مقابل ابهام<sup>۶</sup> نتیجه گرفت که شرکت‌کننده‌های همگن- سازگار که داری نیم‌رخ با عزت‌نفس بالا، اضطراب پایین و تحمل زیاد در برابر ابهام بودند، رضایت از زندگی بالاتری را نشان دادند.

از آنجا که عزت‌نفس از آغاز با سبک‌های دلبستگی به صورت معنادار، ارتباط دارد می‌تواند کلید رفتار سالم پیشگیرانه باشد (هانتیسینگر و لوکن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴). تحقیقات مختلفی (هانتیسینگر و لوکن، ۲۰۰۴؛ صیاد پور، ۱۳۸۶) نشان داده‌اند که متغیر عزت‌نفس پیوندی ناگسستنی با ابعاد سبک‌های دلبستگی دارد و نقش ویژه‌ای را در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و رفتار سالم ایفا

1. Shengquan Ye, Yu & Li

2. Diener & Diener

3. Chen & et al

4. CooperSmith

5. Losyk

6. Tolerance for ambiguity

7. Hintsinger&Leucken

می‌کند. از طرفی جایگاه مهار سلامت<sup>۱</sup> که نقش ویژه‌ای در بهزیستی افراد ایفا می‌کند، از باور فرد و اینکه وی سلامت‌ش را تا چه حد تحت کنترل عوامل درونی (خود) و یا بیرونی (افراد موثر یا بخت و اقبال) می‌داند، متأثر است (مالکارن، دروستا و همیلتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ لوسزکزینکا و اسپارزر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). جایگاه مهار درونی سلامت با آگاهی و نگرش مثبت، وضعیت روان‌شناختی متعادل، رفتارهای بهداشتی و سلامت همراه و همگام می‌شود. در مقابل، بیشتر منابع بیرونی جایگاه مهار سلامت (به‌خصوص افراد موثر یا بخت و اقبال) با رفتارهای بهداشتی منفی و وضعیت روان‌شناختی ضعیف همراه می‌شود (والستون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). با توجه به مطالب بیان شده و ارتباط تنگاتنگ سبک‌های دلبستگی و عزت‌نفس و همچنین رابطه‌ی این دو با حوزه‌ی سلامت، لازم است در بررسی بهزیستی روانی افراد به وجود هر دو متغیر سبک‌های دلبستگی و عزت‌نفس به صورت توأمان توجه شود. بنابراین تحقیق حاضر در پی پاسخ‌گویی به سوالات پژوهشی زیر است:

- ۱- آیا بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس به صورت همزمان می‌توان ابعاد بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را پیش‌بینی کرد؟
- ۲- آیا بین دختران و پسران در برخورداری از بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۳- آیا جنسیت نقش تعدیلی در روابط میان متغیرهای پیش‌بین (ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس) و ملاک (بهزیستی روان‌شناختی) دارد؟

<sup>۱</sup>. Health Locus of Control

<sup>۲</sup>. Malcarne, Drahota & Hamilton

<sup>۳</sup>. Luszczynska & Schwarzer

<sup>۴</sup>. Wallston



**روش پژوهش**

طرح این پژوهش از نوع همبستگی است. ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس متغیرهای پیش-بین و بهزیستی روان‌شناختی متغیر وابسته می‌باشد.

**جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری**

جامعه‌ی آماری مورد مطالعه‌ی این پژوهش، دانشجویان دوره‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز می‌باشند که در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه ۴۰۱ نفر (۲۰۰ دختر و ۲۰۱ پسر) می‌باشد که بر اساس جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی<sup>۲</sup> انتخاب شد. به این ترتیب که ابتدا از بین ۱۴ دانشکده‌ی دارای تحصیلات تکمیلی، ۷ دانشکده و از هر دانشکده ۲ بخش و از هر بخش ۲ کلاس (دو ورودی تحصیلی) به طور تصادفی انتخاب گردید. سپس کلیه‌ی دانشجویان انتخاب شده مورد ارزیابی قرار گرفتند. لازم به توضیح است که بر اساس جدول کرجسی و مورگان برای جامعه‌ی ۷۰۰۰ نفری، نمونه‌ی ۳۶۴ نفری پیشنهاد شده است. لیکن به منظور حصول اطمینان بیشتر در تعمیم نتایج و رعایت جوانب احتیاط در مورد پاسخ‌های مخدوش، حجم نمونه برای پژوهش ۴۲۰ نفر در نظر گرفته شد (۵۰ نفر بیشتر) که پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش، اطلاعات ۴۰۱ آزمودنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. دامنه‌ی سنی آزمودنی‌ها بین ۲۱ تا ۳۳ سال با میانگین ۲۶/۸۰ و انحراف معیار ۱/۹۵ بود.

1. Krejcie & Morgan

2. Random Multi- Stage Cluster Sampling

### ابزارهای پژوهش

**مقیاس بهزیستی روان‌شناختی<sup>۱</sup> (PWBS):** برای اندازه‌گیری این متغیر، از مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده شد. این پرسشنامه، ۱۸ گویه دارد که بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست «۱» تا کاملاً درست «۵» تنظیم شده‌اند. روایی این مقیاس در پژوهش ریف (۱۹۸۹) ۰/۹۳ به دست آمد. در ایران و در مطالعات مختلف، مقیاس مذکور از مطلوبیت قابل قبول برخوردار بوده است. مثلاً در مطالعه‌ی بیانی، عاشور و بیانی (۱۳۸۷) ضریب همبستگی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی با مقیاس رضایت از زندگی، پرسشنامه‌ی شادکامی و پرسشنامه‌ی عزت‌نفس روزنبرگ<sup>۲</sup> به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۵۸ و ۰/۴۶ ذکر گردیده است. در پژوهش حاضر، پایایی مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب ۰/۸۱ برای کل مقیاس و برای خرده مقیاس‌ها ضرایبی بین ۰/۶۸ تا ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین جهت احراز روایی از روش تحلیل عامل با مولفه‌های اصلی استفاده شد. ضریب کیسر-میر-الکین<sup>۳</sup> (KMO) برای این تحلیل برابر با ۰/۸۰ و مقدار آزمون خی‌دو کرویت بارتلت برابر با ۱۱۲۳/۸۱۵ شد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار بود. بار عاملی گویه‌ها در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بین ۰/۳۸ تا ۰/۷۲ بود که حاکی از روایی مطلوب ابزار و ابقای همگی گویه‌ها جهت تحلیل نهایی است. همچنین جهت اطمینان بیشتر از روش همبستگی هر بعد با نمره‌ی کل استفاده شد که دامنه‌ی ضرایب آن بین ۰/۵۸ تا ۰/۶۳ قرار داشت که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

**مقیاس عزت‌نفس (SES):** مقیاس عزت‌نفس توسط روزنبرگ (۱۹۶۵) ساخته شد و دارای ۱۰ گویه می‌باشد. وایلی<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) در مرور خود بر تحقیقات انجام شده با این مقیاس دریافت که در هفت تحقیق مختلف، مقدار آلفا از ۰/۷۲ تا ۰/۸۷ به دست آمده است. در ایران رجبی و

<sup>۱</sup>. Psychological Well-Being Scale

<sup>۲</sup>. Rosenberg. M

<sup>۳</sup>. Kaiser-Meyer- Olkin (KMO)

<sup>۴</sup>. Wylie

بهلول (۱۳۸۶) پایایی مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ و تنصیف مورد بررسی قرار دادند که ضریب  $0/84$  را به دست داد. روایی مقیاس از طریق روایی واگرا مورد بررسی قرار گرفت که در کل نمونه ضریب  $0/34$  - را نشان داد که حاکی از روایی واگرای مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ است.

در پژوهش حاضر نیز پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت که ضریب  $0/88$  به دست آمد. همچنین جهت احراز روایی، از روش تحلیل عامل تاییدی استفاده شد که ضرایب **KMO** و  $\chi^2$  دو کرویت بارتلت به ترتیب برابر با  $0/88$  و  $1030/188$  شدند که در سطح  $0/001$  معنادار بودند. همچنین جهت اطمینان بیشتر از روش همبستگی هر گویه با نمره‌ی کل استفاده شد که دامنه‌ی ضرایب بین  $0/42$  تا  $0/67$  به دست آمد که نشان از روایی مطلوب ابزار و ابقای همگی گویه‌ها جهت تحلیل نهایی است.

مقیاس سنجش سبک‌های دلبستگی بزرگسال (AAS): این مقیاس توسط هازن و شاور (۱۹۸۷) ساخته شده و دارای ۲۱ گویه و سه بعد با عناوین ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا می‌باشد که هر یک از ابعاد دارای ۷ گویه می‌باشند. هازن و شاور (۱۹۸۷) پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ  $0/78$  به دست آوردند. روایی آن را نیز با روش بازآزمایی  $0/81$  گزارش کردند. در ایران رحیمیان بوگر (۱۳۸۳) پایایی هر یک از ابعاد دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب  $0/77$ ،  $0/81$  و  $0/83$  گزارش کرد.

در پژوهش حاضر نیز پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و هر یک از زیر مقیاس‌ها محاسبه گردید که این ضرائب از  $0/94$  تا  $0/98$  متغیر بود. روایی مقیاس هم با استفاده از ضریب همبستگی بین گویه‌های هر بعد و نمره‌ی کل آن بعد محاسبه شد که ضرائب معنی‌دار به دست آمد. علاوه بر این، روایی مقیاس سنجش دلبستگی با استفاده از روش تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی با چرخش متعامد از نوع واریماکس واریسی شد. ضریب **KMO** محاسبه شده برابر با  $0/68$  و آزمون کرویت بارتلت ( $2177/600$ ) نیز در سطح  $0/001$

معنی دار بود. نتایج بیانگر وجود سه عامل تحت عناوین دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بود که به ترتیب ۷، ۵ و ۸ گویه را شامل می‌شدند. این سه عامل ۳۹/۶۱ واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کردند. تفاوت ساختار عاملی این مقیاس در پژوهش حاضر نسبت به فرم اصلی آن در این است که در فرم اصلی به هر عامل ۷ گویه تعلق می‌گرفت ولی در پژوهش حاضر تعداد گویه‌های متفاوتی (ایمن ۷ گویه، اجتنابی ۵ گویه و دوسوگرا ۸ گویه) به عامل‌ها اختصاص یافت. بعلاوه گویه ۳ به دلیل ارتباط ضعیف، زیر مجموعه‌ی هیچ‌کدام از ابعاد قرار نگرفت و حذف گردید.

### روش تحلیل داده‌ها

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از شاخص‌ها و روش‌های آماری از جمله ترسیم جدول فراوانی، محاسبه‌ی درصد، میانگین، انحراف استاندارد، ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. برای پاسخ به سوالات اصلی پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان (سوال ۱)، آزمون  $t$  گروه‌های مستقل (سوال ۲) و آزمون معناداری تفاوت بین دو ضریب همبستگی برای نمونه‌های مستقل ( $Z_r$  فیشر) جهت پاسخ‌گویی به سوال ۳ استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

#### الف) یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور توصیف کمی متغیرهای پژوهش، میانگین، انحراف معیار، و کمترین و بیشترین نمرات متغیرهای پژوهش محاسبه شده که نتایج حاصل در جدول یک ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف کمترین	بیشترین
دلبستگی ایمن	۱۴/۸۱	۲/۸۰	۲۱
ابعاد سبک دل‌بستگی	۱۳/۳۷	۱/۸۶	۲۰
دلبستگی نایمن اجتنابی	۲۰/۷۳	۴/۶۹	۳۴
دلبستگی نایمن دوسوگرا	۲۵/۷۴	۲/۷۰	۳۴
عزت نفس	۵۶/۴۲	۵/۲۸	۷۴
عزت نفس	۹/۴۵	۱/۵۴	۱۵
بهزیستی روان‌شناختی	۱۰/۹۳	۱/۷۹	۱۵
بهزیستی روان‌شناختی	۱۰/۴۶	۱/۷۳	۱۵
پذیرش خود	۱۰/۲۴	۱/۵۸	۱۵
خودمختاری	۷/۷۶	۱/۷۵	۱۴
تسلط بر محیط	۸/۳۲	۱/۷۸	۱۴
ابعاد بهزیستی روان‌شناختی			
رشد شخصی			
روابط مثبت با دیگران			
هدفمندی زندگی			

### ماتریس همبستگی یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی چگونگی ارتباط متغیرهای پژوهش و ایجاد زمینه برای تحلیل‌های بعدی، همبستگی صفر مرتبه‌ی آن‌ها محاسبه و در ماتریس همبستگی زیر آورده شده است.

۵. بهزیستی روان-شناختی	۰/۲۰ <sup>oo</sup>	۰/۲۳ <sup>oo</sup>	۰/۰۶	۰/۲۰ <sup>oo</sup>	۱
۶. پذیرش خود	۰/۱۲ <sup>o</sup>	۰/۰۹	-۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۴۹ <sup>oo</sup>
۷. خودمختاری	۰/۰۲	۰/۰۳	-۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۱۲ <sup>o</sup>
۸. تسلط بر محیط	۰/۱۶ <sup>oo</sup>	۰/۰۸	-۰/۰۶	۰/۱۱ <sup>o</sup>	۰/۲۶ <sup>oo</sup>
۹. رشد شخصی	۰/۱۳ <sup>oo</sup>	۰/۱۵ <sup>oo</sup>	۰/۱۱ <sup>o</sup>	۰/۲۳ <sup>oo</sup>	۰/۰۵
۱۰. روابط مثبت با دیگران	۰/۱۱ <sup>o</sup>	۰/۲۸ <sup>oo</sup>	۰/۳۰ <sup>o</sup>	۰/۰۷	۰/۲۸ <sup>oo</sup>
۱۱. هدفمندی زندگی	۰/۱۳ <sup>oo</sup>	۰/۱۰ <sup>o</sup>	-۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۴۸ <sup>oo</sup>

\*\* p&lt; ۰/۰۱

\*p&lt; ۰/۰۵

همان‌گونه که جدول دو نشان می‌دهد بین برخی از متغیرهای پژوهش رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد و همین مجوز انجام تحلیل‌های بعدی را فراهم می‌سازد.

#### ب) یافته‌های استنباطی جهت بررسی سوالات اصلی پژوهش

در این قسمت یافته‌های پژوهش حاضر به ترتیب سوالات اصلی تحقیق گزارش می‌شود. سوال اول پژوهش ناظر بر این بود که «آیا بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس می‌توان ابعاد بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان را پیش‌بینی کرد؟». برای پاسخ‌گویی به این سوال از رگرسیون چندگانه استفاده شد. در این تحلیل ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس به عنوان متغیر پیش‌بین و ابعاد بهزیستی روان‌شناختی به صورت جداگانه و در نقش متغیر ملاک وارد معادله‌ی رگرسیون شدند که خلاصه‌ی نتایج در جداول پیش‌رو ارائه شده است. در اولین تحلیل، رگرسیون چندگانه‌ی بعد پذیرش خود از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی بر روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس صورت گرفت. نتایج نشان داد که روابط بین متغیرها، خطی و معنی‌دار است ( $F=1/94, P<0/0001$ ). در جدول سه خلاصه‌ی نتایج ارائه شده است.

جدول ۳. رگرسیون همزمان بعد پذیرش خود روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس

متغیر پیش‌بین	F	P	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	t	P<
دلبستگی ایمن					۰/۱۲	۱/۹۳	۰/۰۵
دلبستگی ناایمن اجتنابی					۰/۰۶	۱/۰۱	N.S
دلبستگی ناایمن	۱/۹۴	۰/۰۰۰۱	۰/۱۶	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۷	N.S
دوسوگرا							
عزت‌نفس					۰/۰۶	۱/۰۴	N.S

همان‌گونه که جدول سه نشان می‌دهد دل‌بستگی ایمن توانست در معادله‌ی رگرسیون بعد پذیرش خود از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند ( $p < 0/12$ ,  $\beta = 0/12$ ).

در دومین تحلیل، رگرسیون چندگانه‌ی بعد خودمختاری از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی بر روی ابعاد سبک دل‌بستگی و عزت‌نفس صورت گرفت. نتایج نشان داد که روابط بین متغیرها، خطی و معنی‌دار است ( $F = 1/14$ ,  $p < 0/0001$ ). خلاصه‌ی نتایج در جدول چهار ارائه شده است.

جدول ۴. رگرسیون همزمان بعد خودمختاری روی ابعاد سبک دل‌بستگی و عزت‌نفس

متغیر پیش‌بین	F	P	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	t	P<
دل‌بستگی ایمن					0/00	0/01	N.S
دل‌بستگی ناایمن اجتنابی	1/14	0/0001	0/11	0/01	0/01	0/32	N.S
دل‌بستگی ناایمن دوسوگرا					-0/11	-1/90	0/05
عزت‌نفس					0/07	1/35	N.S

همان‌گونه که جدول چهار نشان می‌دهد بعد دل‌بستگی ناایمن دوسوگرا توانست در معادله‌ی رگرسیون بعد خودمختاری از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را به صورت منفی و معنی‌دار پیش‌بینی کند ( $p < 0/5$ ,  $\beta = -0/11$ ).

در سومین تحلیل، رگرسیون چندگانه‌ی بعد تسلط بر محیط از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی بر روی ابعاد سبک دل‌بستگی و عزت‌نفس صورت گرفت. نتایج نشان داد که روابط بین متغیرها، خطی و معنی‌دار است ( $F = 4/74$ ,  $p < 0/0001$ ). خلاصه‌ی نتایج در جدول پنج ارائه شده است.

جدول ۵. رگرسیون همزمان بعد تسلط بر محیط روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت نفس

متغیر پیش‌بین	F	P	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	t	P<
دلبستگی ایمن					۰/۱۵	۲/۷۴	۰/۰۰۶
دلبستگی ناایمن اجتنابی					۰/۰۳	۰/۶۳	N.S
دلبستگی ناایمن	۴/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۲۹	۰/۰۵	-۰/۱۳	-۲/۳۱	۰/۰۲
دوسوگرا							
عزت نفس					۰/۱۴	۲/۶۶	۰/۰۰۸

با توجه به نتایج مندرج در جدول پنج، دلبستگی ایمن ( $\beta = ۰/۱۵$ ،  $p < ۰/۰۰۶$ ) و عزت نفس ( $\beta = ۰/۱۴$ ،  $p < ۰/۰۰۸$ ) توانستند بعد تسلط بر محیط را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کنند. همچنین دلبستگی ناایمن دوسوگرا نیز توانست بعد تسلط بر محیط را به صورت منفی و معنی‌دار پیش‌بینی کند ( $\beta = -۰/۱۳$ ،  $p < ۰/۰۲$ ).

در چهارمین تحلیل، رگرسیون چندگانه‌ی بعد رشد شخصی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی بر روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت نفس صورت گرفت. نتایج نشان داد که روابط بین متغیرها، خطی و معنی‌دار است ( $F = ۸/۵۱$ ،  $p < ۰/۰۰$ ). خلاصه‌ی نتایج در جدول شش ارائه شده است.

جدول ۶. رگرسیون همزمان بعد رشد شخصی روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت نفس

متغیر پیش‌بین	F	P	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	t	P<
دلبستگی ایمن					۰/۱۱	۱/۸۶	۰/۰۵
دلبستگی ناایمن اجتنابی					۰/۰۷	۱/۳۶	N.S
دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۸/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۵۳	N.S
عزت نفس					۰/۲۳	۴/۳۲	۰/۰۰۱



همان‌طور که نتایج جدول شش نشان می‌دهد دلبستگی ایمن ( $\beta = 0/11$ ،  $p < 0/05$ ) و عزت‌نفس ( $\beta = 0/23$ ،  $p < 0/001$ ) توانستند بعد رشدشخصی را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کنند.

در پنجمین تحلیل، رگرسیون چندگانه‌ی بعد روابط مثبت با دیگران از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی بر روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس صورت گرفت. نتایج نشان داد که روابط بین متغیرها، خطی و معنی‌دار است ( $F = 10/89$ ،  $p < 0/001$ ). خلاصه‌ی نتایج در جدول هفت ارائه شده است.

جدول ۷. رگرسیون همزمان بعد روابط مثبت با دیگران روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس

متغیر پیش‌بین	F	P	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	t	P<
دلبستگی ایمن					0/23	4/18	0/001
دلبستگی نایمن					0/17	3/02	0/003
اجتنابی	10/89	0/001	0/33	0/11			
دلبستگی نایمن دوسوگرا					0/04	0/76	N.S
عزت‌نفس					-0/03	0/62	N.S

با توجه به نتایج جدول هفت، دلبستگی ایمن ( $\beta = 0/23$ ،  $p < 0/001$ ) و دلبستگی نایمن اجتنابی ( $\beta = 0/17$ ،  $p < 0/003$ ) توانستند بعد روابط مثبت با دیگران را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کنند.

در ششمین و آخرین تحلیل، رگرسیون چندگانه‌ی بعد روابط هدفمندی زندگی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی بر روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس صورت گرفت. نتایج نشان داد که روابط بین متغیرها، خطی و معنی‌دار است ( $F = 2/35$ ،  $p < 0/05$ ). خلاصه‌ی نتایج در جدول هشت ارائه شده است.

جدول ۸. رگرسیون همزمان بعد هدفمندی زندگی روی ابعاد سبک دلبستگی و عزت نفس

متغیر پیش‌بین	F	P	R	R <sup>2</sup>	$\beta$	t	P<
دلبستگی ایمن					۰/۱۲	۲/۱۷	۰/۰۳
دلبستگی نایمن					۰/۰۸	۱/۵۰	N.S
اجتنابی	۲/۳۵	۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۰۲			
دلبستگی نایمن					-۰/۰۴	-۰/۰۷	N.S
دوسوگرا							
عزت نفس					۰/۰۳	۰/۶۲	N.S

همان‌طور که نتایج جدول هشت نشان می‌دهد دلبستگی ایمن ( $\beta = ۰/۱۲$ ،  $p < ۰/۰۳$ ) توانست بعد هدفمندی زندگی را به صورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی کند.

به منظور بررسی سوال دوم پژوهش مبنی بر این که «آیا بین دختران و پسران در برخورداری از بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود دارد؟»؛ از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شد که نتایج نشان داد بین دختران و پسران در برخورداری از متغیر بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد ( $t = -۰/۴۷$ ، N.S).

سوال سوم پژوهش ناظر بر این بود که «آیا جنسیت نقش تعدیلی در روابط میان متغیرهای پیش‌بین و ملاک پژوهش دارد؟». برای پاسخ‌گویی به این سوال از آزمون معناداری تفاوت بین دو ضریب همبستگی برای نمونه‌های مستقل استفاده شد. در اولین تحلیل از سوال سوم پژوهش، جنسیت در رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ایمن و بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد نمره‌ی جنسیت در رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ایمن و بهزیستی روان‌شناختی معنادار نشد و بنابراین نتوانست نقش تعدیلی داشته باشد ( $Z = ۱/۵۶$ ، N.S).

در دومین تحلیل از سوال سوم پژوهش، نقش تعدیلی جنسیت در رابطه‌ی بین سبک دلبستگی نایمن اجتنابی و بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. مشابه تحلیل قبل

نتایج نشان داد نمره‌ی جنسیت در رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و بهزیستی روان‌شناختی معنادار نشد و لذا نتوانست نقش تعدیلی داشته باشد ( $Z=1/56, N.S$ ).

همچنین در سومین تحلیل از سوال سوم پژوهش، نقش تعدیلی جنسیت در رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا و بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد نمره‌ی جنسیت در رابطه‌ی بین سبک دلبستگی ایمن و بهزیستی روان‌شناختی معنادار نشد و بنابراین نتوانست نقش تعدیلی داشته باشد ( $Z=1/52, N.S$ ).

در چهارمین تحلیل از سوال سوم پژوهش، نقش تعدیلی جنسیت در رابطه‌ی بین عزت‌نفس و بهزیستی روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به دست آمده نشان داد جنسیت در رابطه‌ی بین عزت‌نفس و بهزیستی روان‌شناختی نقش تعدیلی دارد و در سطح  $0/001$  معنی‌دار است ( $Z=2/68, p=0/001$ ).

جدول ۱۰. نقش تعدیلی جنسیت در رابطه‌ی بین عزت‌نفس و بهزیستی روان‌شناختی

نمره Z	P	T		نمرات Z <sub>r</sub>		R		تعداد		متغیر پیش‌بین
		دختران	پسران	دختران	پسران	دختران	پسران	دختران	پسران	
۲/۶۸	۰/۰۰۱	۵/۰۱	۱/۱۷	۰/۳۵۴	۰/۰۸۳	۰/۳۴	۰/۰۸۳	۲۰۰	۲۰۱	عزت-نفس

همان‌طور که جدول ده نشان می‌دهد همبستگی رابطه‌ی عزت‌نفس با بهزیستی روان‌شناختی در دختران بیشتر از پسران است؛ یعنی دختران برای کسب بهزیستی روان‌شناختی باید از سطح عزت‌نفس بیشتری برخوردار باشند. جهت سهولت درک یافته‌های پژوهش، این یافته‌ها در یک نگاه کلی در جدول زیر از نظر گذراننده می‌شوند.

جدول ۱۱. جدول کلی یافته‌های پژوهش				
متغیرهای پیش‌بین	مقدار $\beta$	نمره $t$	سطح معنی‌داری	متغیرهای ملاک (ابعاد)
سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۱۲	۱/۹۳	۰/۰۵	پذیرش خود
	۰/۱۵	۲/۷۴	۰/۰۰۶	تسلط بر محیط
	۰/۱۱	۱/۸۶	۰/۰۵	رشد شخصی
	۰/۲۳	۴/۱۸	۰/۰۰۱	روابط مثبت با دیگران
	۰/۱۲	۲/۱۷	۰/۰۳	هدمندی در زندگی
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰/۱۷	۳/۰۲	۰/۰۰۳	روابط مثبت با دیگران
سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۱۳	-۲/۳۱	۰/۰۲	تسلط بر محیط
	-۰/۱۱	-۱/۹۰	۰/۰۵	خودمختاری
عزت نفس	۰/۱۴	۲/۶۶	۰/۰۰۸	تسلط بر محیط
	۰/۲۳	۴/۳۲	۰/۰۰۱	رشد شخصی
سبک دل‌بستگی ایمن	۰/۱۶	۲/۸۹	۰/۰۰۴	بهزیستی روان‌شناختی (نمره‌ی کل)
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰/۱۳	۲/۲۷	۰/۰۲	
عزت نفس	۰/۱۸	۳/۴۴	۰/۰۰۱	

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر به طور کلی بررسی امکان پیش‌بینی ابعاد بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان بر اساس ابعاد سبک دل‌بستگی و عزت‌نفس بود. به منظور بررسی این سوال که «آیا بر اساس ابعاد سبک دل‌بستگی و عزت‌نفس می‌توان ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کرد؟»؛ از روش تحلیل رگرسیون به شیوه‌ی چندگانه استفاده شد. به این شکل که هر یک از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی به صورت جداگانه همراه با ابعاد سبک دل‌بستگی و عزت‌نفس وارد معادله‌ی رگرسیون شدند که در ادامه نتایج آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در پاسخ به این سوال که «آیا بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس می‌توان بعد پذیرش خود از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کرد؟»؛ از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار نمره‌ی پذیرش خود می‌باشد؛ یعنی با افزایش نمره‌ی دلبستگی ایمن نمره‌ی بعد پذیرش خود نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که مزلو (۱۳۷۲) معتقد است که «برای افراد سالم امکان‌پذیر است که خود و فطرتشان را بدون آزرده‌گی یا شکوه و شکایت یا حتی بدون تفکر زیاد درباره‌ی موضوع بپذیرند. آن‌ها می‌توانند خودشان را با همه‌ی نقائص و تفاوت‌هایی که با دیگران دارند بپذیرند. آن‌ها می‌توانند کاستی‌ها و گناهان، ضعف‌ها و شرارت‌های آدمی را به همان صورت که ویژگی‌های طبیعت را می‌پذیرند، بپذیرند. آن‌ها ضعف‌های خود، دیگران و جامعه را در کل قبول می‌کنند» (شولتز، ۱۳۸۵). پذیرش خود مستلزم پختگی روانی و هیجانی است. سطحی از پختگی که در آن شخص هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف خویش را ببیند و بتواند با وجود آن‌ها زندگی کند. تا زمانی که شخص به این پختگی نرسد قادر به پذیرش خود نیست. افراد دلبسته‌ی ایمن در طبقه‌ی افراد سالم جای می‌گیرند که از پختگی روانی و هیجانی مناسب و به تبع آن سازگاری هیجانی بالایی برخوردارند و همین باعث می‌شود تا نقاط قوت و ضعف خود را بشناسند و بپذیرند و به خود‌پذیری نائل آیند (بلاویچ و پارگامنت، ۲۰۰۲). افراد دلبسته‌ی اجتنابی به دلیل اجتناب از رو به رو شدن با مسائل و درگیر نشدن در روابط بین‌فردی، فرصت معرفت به نقاط قوت و ضعف خویش و به تبع آن پختگی را از دست می‌دهند که نتیجه‌اش مشکل داشتن در بعد پذیرش خود است. در رابطه با عدم پیش‌بینی بعد پذیرش خود توسط عزت‌نفس، می‌توان دو تبیین ذکر کرد. اول اینکه از خود راضی بودن و حس ارزشمند داشتن درباره‌ی خود، دلیل بر سالم بودن نیست (مزلو، ۱۳۷۲). طبق گفته‌ی مزلو داشتن عزت‌نفس گرچه شرط لازم برای دارا بودن سلامت روان‌شناختی است اما شرط کافی نیست. خود‌پذیری مستلزم دارا بودن فاکتورهای سلامت است. از آنجایی که افراد دارای عزت‌نفس (بدون داشتن سایر فاکتورهای سلامت) جز افراد سالم طبقه‌بندی نمی‌شوند، لذا

قادر به پذیرش خود نیز نیستند. از طرف دیگر عدم پیش‌بینی بعد خود‌پذیری توسط عزت‌نفس شاید به این دلیل باشد که در جوامعی مثل ایران پذیرش فرد از سوی خویش بر پذیرش وی از طرف دیگران استوار است. در چنین جوامعی تایید بیرونی دیگران به احساس ارزشمندی و پذیرش خویش‌کن خویش کمک فراوانی می‌کند. از آنجا که عزت‌نفس بیشتر ناشی از رضایت باطنی و تاییدات درونی است، طبیعی است که نتواند بعد پذیرش خود را در جوامعی مثل ایران پیش‌بینی کند. در حقیقت در این گونه جوامع اگر سایرین فرد را بپذیرند وی نیز خود را می‌پذیرد ولی اگر از طرف اجتماع پذیرفته نشود، از طرف شخص نیز پذیرفته نخواهد شد. این یافته با نتایج تحقیقاتی هالورسنوهاریده‌ها<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و الهی، کاظمی، محمدی و حنیفی، (۱۳۹۱) هم‌سوایی دارد.

به منظور بررسی این سوال که «آیا بر اساس ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس می‌توان بعد خودمختاری از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کرد؟» از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبک ناایمن دوسوگرا پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی و معنی‌دار بعد خودمختاری است؛ یعنی با افزایش نمره‌ی دلبستگی ناایمن دوسوگرا، نمره‌ی بعد خودمختاری کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت خودمختاری از عوامل مختلفی از جمله پذیرش خود ناشی می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰). داشتن خود‌پذیری و خود‌دوستداری به شخص این امکان را می‌دهد که با تکیه بر افکار و احساسات خویش، راه و مسیر زندگی‌اش را خود تعیین کند و بدون وابستگی به دیگران تصمیماتش را عملی و اهدافش را دنبال نماید. افراد دلبسته‌ی دوسوگرا در مولفه‌ی پذیرش خود دارای مشکل جدی هستند و پذیرش از طرف دیگران را شرط لازم برای داشتن احساس خوب نسبت به خود می‌دانند. این افراد تصویر منفی از خود دارند و از طرد شدگی اجتماع ترس شدیدی نشان می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۰). چنین

<sup>۱</sup>. Halvorsen & Heyerdahl

افرادی از انجام هر اقدامی که به حفظ نظر مثبت و خشنودی دیگران بینجامد دریغ نمی‌کنند. بر این اساس افراد دوسوگرا به واسطه‌ی ضعف جدی در مولفه‌ی پذیرش خود و وابستگی شدیدی که به پذیرش دیگران دارند، اشخاصی وابسته و غیرخودمختار می‌باشند. عدم پیش‌بینی بعد خودمختاری توسط دیگر ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس به ماهیت پیچیده‌ی خودمختاری و همچنین فرهنگ ایرانی برمی‌گردد. خودمختاری یا استقلال از فاکتورهای زیادی از جمله احساس راحتی و خودپذیری، داشتن ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، حل مناسب و منطقی تضادهای زندگی، کنترل تمایلات شخصی، داشتن اعتماد به نفس و داشتن حداقل ترس و اضطراب، توجه به علایق و ارزش‌های خود، خود-دوستداری و حفظ خود، هدفمندی در زندگی و شاد و خوش‌بین و دارای انتظار موفقیت از خویش ناشی می‌شود (نادری، ۱۳۹۰). هر یک از ابعاد دلبستگی بعلاوه عزت‌نفس زمانی قادر به پیش‌بینی خودمختاری می‌باشند که شخص از فاکتورهای نام برده شده‌ی بالا برخوردار گردد. از آنجایی که مجموع این فاکتورها به ندرت در یک شخص قابل جمع می‌باشد، بنابراین پیش‌بینی خودمختاری نیز به سختی امکان‌پذیر است. از طرف دیگر خودمختاری در فرهنگ جمع‌گرای ایران به نحو متفاوت‌تری از فرهنگ فردگرای غربی تعریف می‌شود. در فرهنگ غرب استقلال به معنای عدم وابستگی به هر کس و هر چیز تعریف می‌شود اما، به نظر می‌رسد در ایران استقلال به معنای عدم وابستگی به اجتماع بیرون و نه خانواده تعریف می‌شود. در فرهنگ ایرانی وابستگی به پدر و مادر (خانواده) به معنای عدم استقلال در نظر گرفته نمی‌شود بلکه مهم آن است که شخص به غریبه‌ها وابسته نباشد. از آنجایی که خرده مقیاس سنجش خودمختاری در پژوهش حاضر برگرفته از ساختار اجتماعی غرب است، بنابراین عدم پیش‌بینی بعد خودمختاری نباید چندان دور از انتظار باشد.

به منظور بررسی این سوال که «آیا ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس می‌توانند بعد تسلط بر محیط از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند؟» از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن و عزت‌نفس پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار نمره‌ی تسلط بر محیطی‌باشند؛ یعنی با افزایش نمره‌ی دلبستگی ایمن و عزت-

نفس نمره‌ی بعد تسلط بر محیط نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت افراد دلبسته‌ی ایمن از پختگی و انعطاف‌پذیری هیجانی بالایی برخوردارند و به دلیل همین انعطاف-پذیری، قدرت سازگاری با تغییرات محیطی را دارند. این افراد هر جا لازم باشد خود را با محیط و هر جا لازم باشد محیط را با خود هماهنگ می‌سازند تا تسلط خود را بر محیط حفظ کنند (بلاویچ و پارگامنت، ۲۰۰۲). دلبستگان ایمن در روابط اجتماعی خویش نیز بین ارتباط صمیمانه و مستقل تعادل مناسبی را برقرار می‌کنند؛ به طوری که در هیچ یک از این زمینه‌ها دچار مشکل جدی نمی‌شوند (خوشابی و ابوجمزه، ۱۳۸۶). در کل افراد دارای دلبستگی ایمن با حساسیتی که در ارتباط با محیط طبیعی، اجتماعی و فردی خویش به خرج می‌دهند، توانایی تنظیم و مدیریت امور زندگی به ویژه مسائل روزمره را به دست می‌آورند.

نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون همچنین نشان داد که عزت‌نفس نیز قادر به پیش‌بینی مثبت و معنی‌دار بعد تسلط بر محیط است. در توجیه این یافته می‌توان گفت افراد دارای عزت‌نفس واقعی و بالا بسان کوه‌نوردانی هستند که سختی‌های جانکاه صعود به کوه را به جان خریده و پس از فتح قله با لبخند زدن به شن‌ریزه‌ها و قله‌سنگ‌هایی که مانع صعود می‌شدند، ضمن ابراز مسرت از تلاش‌ها و تسلیم نشدن‌ها، اکنون کوه را در زیر پای خود و خویش را مسلط و محیط به قله می‌دانند. افراد دارای عزت‌نفس بالا با عبور موفقیت‌آمیز از چالش‌های زندگی به احساس توانمندی و ارزشمندی دست می‌یابند و از آن پس در برابر مسائل و امور زندگی به ویژه مسائل روزمره با شناختی که از توانایی‌ها و تلاش‌های خویش دارند، اقدام به عمل می‌کنند. این افراد به واسطه‌ی اعتماد و ارزشی که برای توانایی‌های خود قائلند در هنگام برخورد با مسائل ضمن حفظ آرامش خویش به بررسی همه‌جانبه‌ی مسئله پرداخته و سعی لازم در ارائه بهترین راه‌حل را دارند. از طرف دیگر طبق نظریه‌ی خود-تعیین‌گری<sup>۱</sup> احساس شایستگی یا عدم شایستگی فرد برای انجام یک فعل، بر انجام یا عدم انجام و درگیری با آن فعل تاثیرگذار است (گروولیک،

<sup>۱</sup> Self-determination theory



دسی و رایان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). عزت‌نفس با القای حس شایستگی و اعتماد به نفس، افراد را برای کاوش و انجام امور به حرکت وامی‌دارد و با استمرار این حس، زمینه‌ی تکرار انجام امور تا تسلط‌یابی بر آن‌ها فراهم می‌شود.

علاوه بر این نتیجه‌ی تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نیز قادر به پیش‌بینی منفی و معنی‌دار بعد تسلط بر محیط است. یعنی با افزایش نمره‌ی دلبستگی ناایمن دوسوگرا، نمره‌ی بعد تسلط بر محیط کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت رایان و دسی (۲۰۰۰) معتقدند کنترل محیط و حفظ انگیزه‌ی انجام اعمال نیازمند ارضای سه نیاز اساسی روان‌شناختی شایستگی، خودمختاری و احساس تعلق است. از آنجایی که این نیازها در افراد دوسوگرا ارضا نشده است، بنابراین تسلط آن‌ها بر محیط نیز امکان‌پذیر نمی‌باشد.

از طرف دیگر عاملی که به نظر می‌رسد در تسلط شخص بر محیط موثر افتد، سطح شناخت و آگاهی فرد از محیط است (نادری، ۱۳۹۰). افراد ناایمن دوسوگرا با داشتن تصویری منفی از خویش و نگرانی بسیار از احتمال طرد از طرف دیگران، ریسک برقراری رابطه با دیگران را نمی‌پذیرند و همین عامل در کاهش سطح آگاهی آنان از محیط به خصوص محیط اجتماعی موثر است که ضرورتاً به کاهش تسلط فرد بر محیط می‌انجامد.

افراد اجتنابی بزرگسال، افرادی بدگمان و مشکوک به دیگران‌اند و به واسطه‌ی بی‌اعتمادی نمی‌توانند روابط صمیمانه‌ای با محیط خویش برقرار کنند (بالبی، ۱۹۷۳). عدم برقراری ارتباط با محیط به کاهش شناخت از محیط که از شروط ضروری تسلط‌یابی به محیط است، منجر می‌شود. همچنین افراد اجتنابی به واسطه‌ی اجتناب از رو به رو شدن با مسائل قادر به ارزیابی درجه دشواری و مقدار توانایی‌ای که باید صرف انجام مسائل بشود نیستند؛ از این رو توانایی اشراف به مسائل و مدیریت امور زندگی را ندارد. به همین جهت هم در تحلیل رگرسیون سبک اجتنابی نتوانست بعد تسلط بر محیط را پیش‌بینی کند

<sup>1</sup>. Grolnick, Deci & Ryan

به منظور بررسی این سوال «آیا ابعاد سبک دلبستگی و عزت نفس می‌توانند بعد رشد شخصی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند؟»؛ از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن و عزت نفس پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار نمره‌ی رشد شخصی‌اند؛ یعنی با افزایش نمره‌ی دلبستگی ایمن و عزت نفس نمره‌ی بعد رشد شخصی نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که دلبستگان ایمن با دارا بودن الگوی سازگاری روان‌شناختی از سلامت روان بهتر و کیفیت زندگی برتری برخوردارند و با همین سرمایه و ضمن شناخت پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خویش، تمایل به بالفعل کردن توانایی‌های بالقوه‌ی خود را دارند (بلاویچ و پارگامنت، ۲۰۰۲). از طرف دیگر به نظر می‌رسد افراد دلبسته‌ی ایمن با روابط متعادلی که با محیط اجتماعی خویش برقرار می‌کنند کمتر با موانع اجتماعی در راه شکوفا کردن استعدادهای خود مواجه می‌شوند. نتایج تحلیل هم‌چنین نشان داد عزت نفس نیز قادر است به صورت مثبت و معنادار رشد شخصی را پیش‌بینی کند. به عبارتی دیگر با افزایش نمره‌ی عزت نفس نمره‌ی بعد رشد شخصی نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت افزایش عزت نفس با احساس توانمندی، تلاش برای کسب موفقیت، داشتن اعتماد به نفس بالا و بلند همت بودن همراه است. عزت نفس با القای ارزشمندی و توانستن، فرد را به سوی رشد، بالندگی و تبدیل توانایی‌های بالقوه به بالفعل سوق می‌دهد (زانگ و لونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲).

همچنین در تحلیل رگرسیون مشخص شد که سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نتوانستند بعد رشد شخصی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند. در توجیه این یافته به طور کلی می‌توان گفت علت این اتفاق به ماهیت سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا برمی‌گردد. افراد دلبسته‌ی اجتنابی و دوسوگرا هم از داشتن الگوی سازگاری روان-

<sup>1</sup>. Zhang & Leung

شناختی محروم‌اند و هم از پتانسیل‌ها و توانایی‌های واقعی خویش جهت بالفعل کردن آن‌ها بی‌خبرند. از طرفی این افراد به دلیل روابط نامتعادل و رفتارهای متناقضی که با اجتماع دارند غالباً از طرف اجتماع با موانع متعددی در راه رشد خود مواجه می‌شوند. همچنین سبک‌های ناایمن اجتنابی و دوسوگرا با اختلالات اضطرابی و افسردگی رابطه‌ی مثبت و با تنظیم هیجان رابطه‌ی منفی دارند (نریمانی و طالبی جویباری، ۱۳۹۱). وجود همین اختلالات می‌تواند یکی از عوامل عدم رشد شخصی افراد اجتنابی و دوسوگرا باشد. در نهایت اینکه یکی از عوامل مهمی که در رشد شخصی و دلبستگی ایمن نقش دارد، تاب‌آوری است (پاکدامن، شهیاد و احمدی، ۱۳۹۱). افراد تاب‌آور با شکیبایی و تلاش مستمر در رشد شخصی خویش می‌کوشند. این در حالی است که سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا با تاب‌آوری رابطه‌ی منفی دارند. بنابراین این افراد عموماً حاضر به تحمل سختی‌ها و صبر در برابر مشکلات جهت شکوفا کردن استعدادها و پتانسیل‌های خویش نیستند.

به منظور بررسی این سوال که «آیا ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس می‌توانند بعد روابط مثبت با دیگران از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند؟» از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار نمره‌ی بعد روابط مثبت با دیگران می‌باشد؛ یعنی با افزایش نمره‌ی سبک دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی نمره‌ی بعد روابط مثبت با دیگران نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت سازگاری هیجانی در ایجاد و اداره‌ی روابط مثبت با دیگران نقش دارد (اسچوت، لدبتر و هرت، ۲۰۰۷، نقل از خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶). از آنجایی که سبک دلبستگی ایمن دربردارنده‌ی سازگاری هیجانی است (بلاویچ و پارگامنت، ۲۰۰۲)، می‌توان گفت که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن قادرند با دیگران رابطه‌ی مثبتی برقرار نمایند. افراد دلبسته‌ی ایمن به روابط بین فردی بها می‌دهند و از برقراری این روابط احساس رضایت و خشنودی دارند و سعی می‌کنند این خشنودی را به طرف ارتباط نیز منتقل کنند. این افراد هم در روابط صمیمانه و هم در روابط غیر صمیمانه احساس راحتی می‌کنند و تلاش دارند

در روابط خود تعادل برقرار کنند. در کل افراد دلبسته‌ی ایمن به جهت ارتباط زنده‌تر و خودابرازگری صمیمانه‌تر از احساس رضایت بیشتری در زندگی برخوردار هستند (خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶). همچنین در تبیین دیگری می‌توان گفت بالدوین و همکارانش (نقل از خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶) نظریه‌ی طرحواره‌های ارتباطی را برای مدل‌های دلبستگی به کار بردند. طرحواره‌های ارتباطی شامل اطلاعاتی درباره‌ی تعاملات منظم افراد (مخصوصاً زوجین) با یکدیگر است. طرحواره‌ی ارتباطی به افراد اجازه می‌دهد تا پاسخ‌های دیگران را پیش‌بینی و برای آن برنامه‌ریزی کنند. بالدوین و همکارانش معتقدند که مدل‌های فعال‌ساز دلبستگی، طرحواره‌های ارتباطی را نیز شامل می‌شوند. طبق این تفسیر سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی جز مدل‌های فعال‌ساز دلبستگی قرار می‌گیرند و افرادی که دارای این سبک‌های ارتباطی هستند با پیش‌بینی رفتار دیگران، برای پاسخ‌گویی مناسب و هماهنگ با آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند و بدین ترتیب چون از پیش آمادگی ارتباط دارند، غالباً قادرند روابط مثبتی را با دیگران برقرار کنند.

همچنین در تحلیل رگرسیون مشخص شد که سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نتوانست بعد روابط مثبت با دیگران از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کند. در توجیه این یافته به طور کلی می‌توان گفت افراد دوسوگرا دارای رفتارهای متناقض و نامطمئن هستند و بر همین اساس در برقراری رابطه‌ی سالم با دیگران شکست می‌خورند. رفتار افراد دوسوگرا غالباً قابل پیش‌بینی نیست و به همین دلیل دیگران مایل به برقراری ارتباط با افراد دوسوگرا نمی‌باشند.

عزت‌نفس نیز نتوانست بعد روابط مثبت با دیگران را پیش‌بینی کند. طبق نظر مزلو (۱۳۷۲) افراد دارای عزت‌نفس لزوماً از الگوی سلامت روان‌شناختی برخوردار نیستند. محرومیت از الگوی سلامت روانی پیامدهایی گوناگونی دارند که عدم تنظیم هیجانات که از عوامل ضروری برقراری یک ارتباط سالم و مثبت است، یکی از این پیامدهاست. (اسچوت و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین ممکن است شخصی مثل افراد اجتنابی از سطح عزت‌نفس بالایی برخوردار باشد، اما عزت‌نفسی کاذب و بادآورده باشد که از دل تجربه‌ها و پشت سر گذاشتن سختی‌ها به دست

نیامده باشد. چنین عزت‌نفسی به تنهایی و بدون حضور سایر عناصر سلامت روان قادر به پیش‌بینی روابط مثبت با سایرین نیست.

در آخرین تحلیل از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی و به منظور بررسی این سوال که «آیا ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس می‌توانند بعد هدفمندی زندگی از ابعاد بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی کنند؟» از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه‌ی همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنی‌دار نمره‌ی بعد هدفمندی زندگی است؛ یعنی با افزایش نمره‌ی سبک دلبستگی ایمن نمره‌ی بعد هدفمندی زندگی نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت داشتن هدف و معنا در زندگی قویاً و به شکل مثبت با سلامت روان و احساس بهزیستی روانی مرتبط است. هدفمندی در زندگی می‌تواند با افزایش آگاهی شخص نسبت به ارزش‌های فردی و ترسیم اهداف بلندمدت، به برانگیختن فرد در طی مسیر رشد و توسعه‌ی انسانی و در مجموع سلامت روان و احساس بهزیستی کمک کند (رزماری، سلن، جنیفر و داماریس<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). افراد دلبسته‌ی ایمن با دارا بودن احساس بهزیستی روانی از موهبت هدفمندی زندگی برخوردارند. این افراد با تکیه بر ارزش‌های فردی و اجتماعی به ترسیم اهداف درازمدت و پیگیری و تحقق آن‌ها می‌پردازند. فرانکل (۱۳۸۸) نیز معیار نهایی رشد و پرورش شخصیت سالم را در اراده‌ی معطوف به معنای زندگی و نیاز مداوم انسان به جستجوی هدف و معنا می‌داند. جست‌وجویی که به هستی ما منظوری بیخشد و نتیجه‌ی آن «فرا رفتن از خود» باشد (علوی‌نژاد، ۱۳۷۷). از طرف دیگر جست‌وجوی معنی و هدف‌یابی، مستلزم پذیرفتن مسئولیت شخصی و رویارویی آزاد با شرایط هستی خویش است. فرانکل (۱۳۸۸) می‌گوید زندگی پیوسته ما را به مبارزه می‌طلبد و پاسخ ما نباید سخن و اندیشه که باید عمل باشد. بنابراین به نظر می‌رسد افراد اجتنابی و دوسوگرا با اجتناب از پذیرش مسئولیت و فرار از عمل،

<sup>۱</sup>. Rosemarie, Selene, Jennifer & Damaris

خود را از داشتن معنا و هدف‌یابی در زندگی محروم می‌کنند. همچنین این افراد به واسطه‌ی عدم چالش‌پذیری در زندگی، فاقد یک نظام ارزشی مناسب و متعالی هستند تا با تکیه بر آن، اهدافی را ترسیم و پیگیری کنند.

همچنین تحلیل رگرسیون نشان داد عزت‌نفس قادر به پیش‌بینی هدفمندی زندگی نمی‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان دو مطلب بیان کرد. اول اینکه احتمالاً دلیل این امر به فرهنگ جمع-گرای ایران برمی‌گردد. در فرهنگ‌های جمع‌گرا، اهداف غالباً تابعی از نظر اجتماع و متأثر از اذهان و عقاید عمومی است و حتی اهداف فردی نیز از باید و نبایدهای اجتماع تأثیر می‌پذیرند. از آنجایی که عزت‌نفس بیشتر امری باطنی و درونی است (بالبی، ۱۹۷۳) و از قضاوت فرد در مورد خودش ناشی می‌شود، پیداست که نتواند در فرهنگ‌های جمع‌گرای مثل ایران نقش پررنگی را در تعیین هدف بازی کند. دوم؛ عزت‌نفس متغیری است که بر اعمالی که شخص در گذشته انجام داده، بنیان نهاده می‌شود و چنانچه شخص از گذشته خویش رضایت داشته باشد از عزت‌نفس برخوردار می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد تدوین هدف که مربوط به آینده است چندان نتواند با عزت‌نفس رابطه برقرار کند و عزت‌نفس نتواند متغیر موثری بر هدف‌گرایی شخص باشد.

به منظور بررسی سوال دوم پژوهش که «آیا بین دختران و پسران در برخورداری از بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود دارد؟» از آزمون  $t$  برای گروه‌های مستقل استفاده شد که نتایج نشان داد بین دختران و پسران در برخورداری از متغیر بهزیستی روان‌شناختی تفاوت معناداری وجود ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که دو الگوی کلی، بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کنند. الگوی پایین - بالا<sup>۱</sup> که اثرات بیرونی / موقعیتی را بر بهزیستی روانی مورد توجه قرار می‌دهد. این الگو بیان می‌دارد که همبسته‌های بیرونی بهزیستی (مانند اسباب آرامش و

<sup>۱</sup>. Bottom-up

پیوندهای اجتماعی) تنها ۱۵٪-۱۰٪ واریانس بهزیستی را تبیین می‌کنند (آرجیل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹). در الگو و رویکردهای بالا-پایین، بهزیستی روانی برآیند صفات درونی و فرآیندی روان‌شناختی (دینر، ۲۰۰۰؛ واتسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰) همچون حالت‌های خلقی، هدف‌ها، سبک‌های مقابله و فرآیندهای سازگاری است (دینر و همکاران، ۱۹۹۹). طبق تبیین فوق‌عمده واریانس بهزیستی روانی توسط صفات درونی و فرآیندی روان‌شناختی پیش‌بینی می‌شود. لذا می‌توان گفت جمعیت دانشجویی که نمونه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند از شرایط یکسان محیطی مانند اسباب آرامش و امکانات رفاهی و تحصیلی برخوردارند و بهزیستی روانی آنان در این زمینه تفاوت چندانی نداشته باشد. در رویکرد بالا-پایین نیز این امر صدق می‌کند و دانشگاه با ایجاد شرایط تربیتی نسبتاً یکسان به ترویج خلیات، اهداف، سبک‌های مقابله‌ای و فرایندهای روانی مشترک و در مجموع توده‌وار کردن جمعیت دانشجویی اقدام می‌کند و هرچه بیشتر شکاف‌های تفاوت فردی و جنسیتی را پر می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود با کم شدن تفاوت‌های فردی و جنسیتی در حوزه‌های گوناگون، در ابعاد بهزیستی روانی و مولفه‌های سلامت روان نیز تفاوت معناداری مشاهده نشود.

لاگاردیا و پاتریک (۲۰۰۸) معتقدند هم زنان و هم مردان از یک سری حمایت‌ها و روابط دوستانه برخوردارند که باعث ارضای نیازهایشان می‌شود و به ارتقای روانی آنان منجر می‌گردد. در تبیینی دیگر براو (۲۰۰۴) و هریس و ماوی<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) اظهار داشتند که شاغل بودن افراد (مثل شغل دانشجویی) به افزایش شادی و عزت‌نفس آنان کمک می‌کند و اشخاصی که از عزت‌نفس بالایی برخوردارند، فارغ از جنسیت‌شان خود را به گونه‌ای مثبت ارزیابی کرده و از بهزیستی بالاتری برخوردار می‌گردند. قابل ذکر است که یافته‌ای که مورد بحث قرار دارد با نتایج

---

1. Argyle

2. Watson

3. Harris & Mavie

پژوهش‌های محبوبی (۱۳۸۶): شگری، کدیور و دانش‌پور (۱۳۸۶): مرادی و سلیمانی خشاب (۱۳۹۱): براو<sup>۱</sup> (۲۰۰۴): هریس و ماوی (۲۰۰۷) و لاگاردیا و پاتریک (۲۰۰۸) هم‌سویی و مطابقت دارد.

در آخرین تحلیل و به منظور بررسی این سوال که «آیا جنسیت در رابطه‌ی بین متغیرهای پیش‌بین (ابعاد سبک دلبستگی و عزت‌نفس) و ملاک (بهزیستی روان‌شناختی) پژوهش، نقش تعدیلی دارد؟» از آزمون معناداری تفاوت بین دو ضریب همبستگی برای نمونه‌های مستقل استفاده شد. به طور کلی نتایج نشان داد جنسیت در بین سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با بهزیستی روان‌شناختی نقش تعدیلی نداشت، ولی در رابطه‌ی بین عزت‌نفس و بهزیستی روان‌شناختی نقش تعدیلی ایفا کرد و نمره‌ی دختران در همبستگی عزت‌نفس با بهزیستی روان‌شناختی بیشتر از نمره‌ی پسران در همبستگی متغیرهای مذکور شد. در توجیه این یافته می‌توان گفت برخورداری از بهزیستی روان‌شناختی متأثر از عواملی از جمله فرهنگ، تماس اجتماعی، درآمد، خودمختاری و ... است که در جامعه‌ی مردسالار ایران بیشتر در اختیار مردان قرار دارد. بنابراین مردان نیازی ندارند تا با تلاش و کوشش یا از راهی دیگر نسبت به کسب این فاکتورها اقدام کنند. مردان به دلیل حقی که فرهنگ و جامعه برای آنان قائل شده است به شکل موروثی و زحمت‌اندک به چیزهایی دست پیدا می‌کنند که یک زن باید با تلاش وافر، جسارت بسیار و هزینه‌ی گزاف به آنها برسد. در جامعه‌ی ایران زنی که قصد دارد یک زندگی سالم و رضایتمند که در آن فاکتورهای بهزیستی روانی وجود داشته باشند، پایه‌ریزی کند باید از سطح عزت‌نفس و خودارزشمندی بالاتری نسبت مردان برخوردار باشد تا با پشوانه‌ی آن مسیر دشوار عبور از موانع اجتماعی را طی کند.

<sup>۱</sup>. Brough,p



لازم به ذکر است پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده و به همین دلیل استنباط علی از آن باید با احتیاط صورت بگیرد. همچنین پرسشنامه تنها ابزار جمع‌آوری اطلاعات بود که جنبه‌ی خودگزارشی دارد. به همین دلیل، ممکن است در اصلاحات به دست آمده سوگیری ایجاد شده باشد. پیشنهاد می‌شود پژوهش در گروه‌های دیگر جامعه به خصوص دانشجویان مقاطع پایین‌تر، دانش‌آموزان و معلمان صورت پذیرد تا تناسب رابطه‌ی ارائه شده در بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

## منابع

۱. الهی، طاهره؛ کاظمی، محمود؛ محمدی، جمیل و حنیفی، احمد (۱۳۹۱). پیش‌بینی بهزیستی اجتماعی دانشجویان بر اساس پنج عامل شخصیت و عزت‌نفس. مقاله‌ی ارائه شده در ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
۲. اتکینسون، ماری و هورون بی، گری (۲۰۰۷). بهداشت روانی در مدارس. ترجمه‌ی اکبر رهنما و محمدرضا فریدی (۱۳۸۸)، تهران: نشر آبیژ.
۳. احدی، بتول (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی احساس تنهایی و عزت‌نفس با سبک‌های دلبستگی دانشجویان. فصلنامه‌ی مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، دوره‌ی ۵، شماره ۱.
۴. احمدی، وحید (۱۳۹۰). طراحی و آزمودن الگویی از برخی پیشایندها و پیامدهای خودشیفته در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
۵. باعزت، فرشته؛ ایزدی‌فر، راضیه و پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۸۸). مقایسه‌ی سبک‌های دلبستگی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال رفتاری، نارسا خوان و عادی. مجله علوم رفتاری، ۳، ۳.
۶. برک، لورا (۲۰۰۷). روان‌شناسی رشد. ترجمه‌ی یحیی سید محمدی (۱۳۸۷)، جلد اول، تهران: نشر اسبازان.
۷. بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با مشکلات زناشویی در زوجین نابارور. مجله تازه‌های درمانی، شماره ۱۹ و ۲۰.
۸. بشارت، محمدعلی (۱۳۷۹). نقش سبک دلبستگی زوجین بر سازش روان‌شناختی ناباروری. فصلنامه باروری و ناباروری، ۱۷-۲۵.
۹. بهاری، سیف‌اله و فرکیش، چه‌گور (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین هویت فردی، سبک‌های دلبستگی با بهزیستی روان‌شناختی. فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۴، ۲.
۱۰. بیانی، علی‌اصغر؛ محمدکوچکی، عاشور و بیانی، علی (۱۳۸۷). روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف. مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی، سال ۱۴، ۲.
۱۱. پاکدامن، شهلا؛ شهیاد، شیما و احمدی، خدابخش (۱۳۹۱). نقش سبک‌های دلبستگی در

- بروز احساس تنهایی. مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات ششمین همایش سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
۱۲. جوکار، بهرام؛ ذاکری، حمیدرضا و عمرانیان، معصومه (۱۳۹۱). عزت‌نفس و خودناتوان-سازی در دانشجویان. مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات ششمین همایش سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
۱۳. جهان‌بخش، مرضیه؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین؛ بهادری، محمدحسین (۱۳۸۹). رابطه‌ی مشکلات دلبستگی دختران با سبک دلبستگی مادران. مجله روان‌شناسی بالینی، ۲، ۳.
۱۴. خوشابی، کنایون و ابوحمزه، الهام (۱۳۸۶). نظریه‌ی دلبستگی بالبی. تهران: نشر دانژه.
۱۵. رجبی، غلامرضا و بهلول، نسرین (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران. پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، شماره‌ی ۸، ۴۸-۳۳.
۱۶. رحیمیان‌بوگر، اسحاق (۱۳۸۳). بررسی رابطه‌ی خشنودی شغلی، استرس شغلی، جهت‌گیری کاری و درگیری به کار با سبک‌های مختلف دلبستگی بزرگسالان و پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۷. شاکر، علی (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و سلامت روان با سازگاری زناشویی در زوجین. مجله‌ی علوم رفتاری، ۵، ۲، ۲۴-۳۲.
۱۸. شکری، امید؛ کدیور، پروین و دانشورپور، زهره (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی‌های شخصیت. مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۳، ۳، ۲۸۹-۲۸۰.
۱۹. شولتز، دوان و شولتز، سیدنی الن (۲۰۰۵). نظریه‌های شخصیت. ترجمه‌ی یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۸)، تهران: نشر ویرایش، چاپ نهم.
۲۰. صیاد پور، زهره (۱۳۸۶). ارتباط بین حرمت خود و سبک دلبستگی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۳، ۱۲.
۲۱. علوی‌نژاد، سیدحیدر (۱۳۷۷). انسان سالم از دیدگاه قرآن. نشریه‌ی پژوهش‌های قرآنی،

- ۱۵ و ۱۶، ۲۲-۱.
۲۲. فرانکل، ویکتور (۱۹۹۷). *انسان در جستجوی معنی*. ترجمه نهضت صالحیان و میهن میلانی (۱۳۸۸)، تهران: نشر درسا.
۲۳. محبوبی، پریسا (۱۳۸۶). *رابطه حمایت اجتماعی با رضایت شغلی معلمان زن شهر اهواز*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز.
۲۴. محمدعلیپور، زینب؛ عباسی، مرتضی و آسایش، محمدحسن (۱۳۹۱). *سبک‌های دلبستگی و اعتیاد به اینترنت*. مقاله‌ی ارائه شده در ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
۲۵. مرادی، مرتضی و سلیمانی خشاب، عباسعلی (۱۳۹۱). *رابطه‌ی الگوی ارتباطات خانواده، حمایت‌های اجتماعی و جنسیت با بهزیستی روان‌شناختی*. مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات ششمین همایش سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
۲۶. مزلو، ابراهام (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت*. ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: نشر آستان قدس رضوی، چاپ سوم.
۲۷. نادری، سمیرا (۱۳۹۰). *رابطه‌ی خودکارآمدی و اهمالکاری با بهزیستی روانی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۲۸. نریمانی، محمد و طالبی، جویباری (۱۳۹۱). *رابطه‌ی سبک دلبستگی با تنظیم هیجان در دانشجویان*. مقاله‌ی ارائه شده در مجموعه مقالات ششمین همایش سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
29. Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E., & Wall, S. (1987). *Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation*. Hillsdale, NJ: Erlbaum. 6(1), 59–71.
30. Berdizounidavaji, R., Valizadeh, SH., Nikmal, M. (2010). The relationship between attachment styles and suicide ideation: The study of Turkman student. *Procedia Social and Behavioral sciences*, 5, 1190- 11940.
31. Bowlby, J, (1973). *Attachment and loss*, Vol. 1: Attachment. New

York: Basic Book.

32. Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss*, Vol. 2: *Spartatio*. New York: Basic Book.

33. Brough, p (2004). *High levels, Job satisfaction among london's social workers Community care*. pp: 420-427.

34. Chang, S. & Chan, A (2005). Measuring Psychological well-being in the Chinese. *Personality and Individual Differences*, 38, 1307-1316.

35. Chen, S. X., Cheung, F. M., Bond, M. H., & Leung, J.-P. (2006). Going beyond self-esteem to predict life satisfaction: The Chinese case. *Asian Journal of Social Psychology*, 9(1), 24-35.

36. Chia-huei Wu. (2009). The relationship between attachment style and self-concept clarity: The mediation effect of self-esteem. *Personality and Individual Differences*, 47, 42-46.

37. Coopersmith, S. (1967). *The Antecedents of Self-esteem*, San Francisco: W.H. Freeman.

38. Diener, E. (2000). The science of happiness and a proposal for a national index. *American Psychologist*, 55, 34-43.

39. Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(4), 653-663.

40. Diener, E., Rozenberg. (2002). Very happy people. *Psychological science*. 13: 80-83.

41. Giral, T. M. (2008). *Attachment, perceived social support, and marriage: Different paths to mental health in Latinos and European Americans*. columbia university.

42. Grolnick, W., Deci, E. L., & Ryan, R. (1997). Internalization within the family: The self-determination theory. In J. E. Gruse, & L. Kaczynski (Eds.), *parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory* (pp, 135 -161). New York: Willey.

43. Halvorsen, I., Heyerdahl, S. (2006). Girls whit anorexia nervosa as young adults: Personality, self-esteem, and life satisfacation. *International journal of Eating Disorders*, 39(4), 285.

44. Harms, P. D (2011). *Adult attachment styles in the workplace*. University of Nebraska, Lincoln, United States.

- 45.Harris j.irene & Mavie, ann. (2007). Relationship between social support, job satisfaction, health, job satisfaction. *Social work education*, 29(5): 446-460.
- 46.Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- 47.Hazan, C., & Shaver, P. R. (1998). Family cohesion and age as determinants of homesickness in university student. *Social behavior and Personality*, 26, 195- 202.
- 48.Hintsinger, E. T., &Leucken, L. J. (2004). Attachment relationships and health behavior: The mediation infant- mother attachment: A longitudinal study, *Merill-Palmer Quarterly*, 41,91-103.
- 49.Keller, Cluxton. (2009). *Mental health and couple communication*. Texas Woman's University, 2010-Couples.
- 50.Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational and Psychology Measurment*,30, 607-610.
- 51.La Guardia, J. G., & Patrick, H. (2008). Self-determination theory as a fundamental theory of close relationships. Canadian Psychology Special Issue: Social psychology and self determination theory: *A Canadian contribution*, 49, 201-209.
- 52.LaGuardia, J. G., R. M., Couchman, E, & Deci. E. L. (2002). Within- person variation in security of attachment: A self-Determination theory perspective on Attachment, Need Fulfillment and Well- Being. *Journal of Personality and social Psychology*, 79, 367- 384.
- 53.Losyk, O. R. (2006). Resilience, Meaning and Well- Being. *The Counseling Psychologist*, 34 (1), 96- 107.
- 54.Luszczynska A, Schwarzer R. (2005). Multidimensional health locus of control: comments on the construct and its measurement. *J Health*, 10(5): 663- 42.
- 55.Malcarne VL, Drahota A, Hamilton N., A. (2005). Children's health- related locus of control beliefs: ethnicity,gender, and family income. *Child health care*, 34: 47-59.
- 56.Moreira, J. M., Bernardes, S., Andrez, M., Aguirra, P., Moleiro, C,

- silva, M. F. (1998). Social competence, personality and adult attachment style in a portuguese sample. *Personality and individual differences*, 24, 567- 57.
- 57.Noom, M. J., Decovic, M., Meeus, H. J. (2002). Autonomy, attachment and Psychological adjustment during adolescence: a double- edged sword?. *Canadian Psychology*, 50, 219- 229.
- 58.Roothman B, Kirsten DK, Wissing MP. (2003). Gender differences in aspects of psychological well-being. *South African Journal of Psychology*.; 33(4), 212-218.
- 59.Rosemarie A. Martin, Selene MacKinnon, Jennifer Johnson & Damaris J. Rohsenow. (2011). Purpose in life predicts treatment outcome among adult cocaine abusers in treatment. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 40, 183–188.
- 60.Rosenberg, M, (1965). *Society and adolescent self-image*, New jersey, Princeton.
- 61.Ryan, R. M. , Deci, E. L. (2001). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new direction. *Contemporary Educational Psychology*, 25, 54-67.
- 62.Ryff, C. D. & Keyes, C. L.(1995). The Structure of Psychological Well-being Revisited, *Journal of Personality and Social Psychology*, 69: 719-727.
- 63.Ryff, C.D., (1989). Happiness Is Everything, Or Is It? Explorations on the Meaning of Psychological Well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57: 1069–1081.
- 64.Shengquan Ye, Lu Yu & Kin-Kit Li. (2012). A cross-lagged model of self-esteem and life satisfaction: Gender differences among Chinese university students. *Personality and Individual Differences*, 52, 546–551.
- 65.Sigelman, C. K., Rider, E.A. (2009). *Life- span human development*. Six th edition. Wadsworth cengage learning, USA.
- 66.Wallston K A. (2005). The validity of the multidimensional health locus of control scales. *J Health Psychology*, 10(5):623-31.
- 67.Watson, D. (2000). *Mood and temperament*. New York: Guilford.
- 68.Wei, M., Shaffer, P. A., yong, s. k., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, shame, depression, and loneliness: the mediation role of

basic psychological need satisfaction. *Journal of counseling psychology*, 4, 591- 61.

69. Zhang, L., & Leung, J.-P. (2002). Moderating effects of gender and age on the relationship between self-esteem and life satisfaction in mainland Chinese. *International Journal of Psychology*, 37(2), 83–91.